

Philosophical Thinking Skills in Children and Adolescent Poetry of Gholamreza Baktash and Nasser Keshavarz

Ali-Akbar Samkhaniani*

Tahereh Sheykhi**, Akbar Shayanseresht***

Abstract

Fostering philosophical thinking in children and teaching intellectual skills is one of the basic programs in educating children because it leads to the expansion and strengthening of the child's mental and spiritual dimensions. The teaching of philosophical skills is also seen in the poetry of some children and adolescent poets. This study examines the children's poetry of Gholamreza Baktash and Nasser Keshavarz in order to find what skills and components of philosophical thinking have been taught to children in the children's poetry of these two poets. The present study, which is done using a descriptive-analytical method and based on library information, shows that philosophical thinking skills are indirectly taught to children in the poetry of these poets, and by reading these poems, children can gain the power of reasoning and pursue the ordinary affairs of life with more curiosity and discovery skills. As a result, they can strengthen their self-confidence. By reading these poems to children, parents and educators can help them to analyze some issues in life, and show more skills in communicating with others and making decisions.

Keywords: Children and Adolescent Poetry, Thinking, Intellectual Skills, Philosophy Teaching.

* Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Birjand, Birjand, Iran (Corresponding Author), asamkhaniani@birjand.ac.ir

** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Birjand, Birjand, Iran, ashamiyan@birjand.ac.ir

*** PhD Student of Persian Language and Literature, University of Birjand, Birjand, Iran, t.sheykhi@birjand.ac.ir

Date received: 15/08/2020, Date of acceptance: 04/12/2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان غلامرضا بکتاش و ناصر کشاورز

علی اکبر سام‌خانیانی*

اکبر شایان سرشت**، طاهره شیخی***

چکیده

پرورش تفکر فلسفی در کودکان و آموزش برنامه‌های فکری به دلیل آنکه به گسترش و تقویت ابعاد ذهنی روحی کودک می‌انجامد یکی از برنامه‌های اساسی تعلیم به کودکان به حساب می‌آید. آموزش مهارت‌های فلسفی در شعر برخی از شاعران کودک و نوجوان نیز مشاهده می‌شود. این پژوهش با بررسی شعر کودک غلامرضا بکتاش و ناصر کشاورز بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که چه مهارت‌ها و مؤلفه‌های تفکر فلسفی در شعر کودک این دو شاعر به کودکان آموزش داده شده است. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای اطلاعات کتابخانه انجام شده است، نشان می‌دهد مهارت‌های تفکر فلسفی به صورت غیر مستقیم در شعر این شاعران به کودکان آموزش داده می‌شود و کودکان با خواندن این اشعار می‌توانند قدرت استدلال پیدا کرده و با کنجکاوی و مهارت کشف بیش‌تری امور معمولی زندگی را دنبال کنند؛ در نتیجه اعتماد به نفس خویش را تقویت نمایند. والدین و مربیان با خواندن این نمونه اشعار برای کودکان می‌توانند کمک شایانی به آن‌ها کرده تا از این طریق برخی از مسائل زندگی را تجزیه و تحلیل نمایند. و در برقراری ارتباط با دیگران و تصمیم‌گیری مهارت بیشتری از خود نشان دهند.

کلیدواژه‌ها: شعر کودک و نوجوان، تفکر، مهارت‌های فکری، آموزش فلسفه.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول)، asamkhaniani@birjand.ac.ir

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، ashamiyan@birjand.ac.ir

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، t.sheykhi@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴

۱. مقدمه

۱.۱ فلسفه برای کودکان

یکی از برنامه‌های آموزشی که با هدف پرورش قدرت تفکر کودکان طراحی و تدوین شده است برنامه آموزش فلسفه به کودکان است.

فلسفه برای کودکان برنامه‌ای آموزشی است که هدفش پرورش قدرت تفکر و استدلال در کودکان است در پی تربیت کودکانی متفکر، آگاه، هدفمند است. حتماً لازم است توجه داشته باشیم که فلسفه در این جا با عقاید و آرای فلسفی فیلسوفان ارتباطی ندارد. بلکه به مهارت‌هایی از فلسفه می‌پردازد که با جنبه‌های شناختی، عاطفی و فکری مرتبط است. در حقیقت آموزش فلسفه عبارت از یاد دادن چگونه اندیشیدن است. آموزش پرسیدن و چگونه پرسیدن (فائدی، ۱۳۹۴: ۵).

بحث فلسفه برای کودکان را به صورت اساسی و علمی یکی از فلاسفه‌ی معاصر به نام ماتیو لیمپن مطرح کرده‌است.

او تأکید داشت که چنانچه ذهن کودکان را درگیر مباحث فلسفی کنیم و کنجکاوی آنان را از طریق فلسفه بسنجیم می‌توانیم به منتقد شدن آنان کمک کنیم. بر اساس نظریات همین فیلسوف بود که شاخه جدیدی به نام فلسفه برای کودکان شکل گرفت. این فلسفه را در معنای فلسفه‌ورزی به کار برد. کاری که کودکان می‌توانند آن را انجام دهند و به طور ذاتی مستعد انجام آن هستند (همان: ۴۸).

در کشور ما نیز تحقیقات بسیاری در زمینه‌ی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت کودکان انجام گرفته است و بر آموزش فلسفه و مهارت‌های فلسفه ورزی به کودکان و دانش آموزان ابتدایی تأکید می‌شود. در تعریفی دیگر برنامه فلسفه برای کودکان را با این مختصات تعریف کرده‌اند

فلسفه برای کودکان برنامه آموزشی جدیدی است که هدفش پرورش قدرت تفکر و استدلال به ویژه تفکر منطقی در کودکان است و برای رسیدن به این هدف از مفاهیم فلسفی به منزله‌ی موضوعات سودمند استفاده می‌کنند و پروراندن قدرت استدلال، خلاقیت، قضاوت و ساختن مفاهیم و تفکر دقیق و منطقی را مد نظر دارند و برآنند تا مهارت پرسیدن و به عبارتی فلسفه ورزی را آموزش دهند (حسینی، ۱۳۸۹: ۹۴).

تفکر یکی از مهارت‌های اصلی در زندگی اجتماعی بشر به حساب می‌آید. از این رو زمان آموزش مهارت‌های تفکر بسیار مهم و تأثیرگذار است. لذا حتماً باید توجه شود که آموزش فلسفه در سنین کودکی و با تأمل و تدبر صورت پذیرد چرا که در دوران دبیرستان یا دانشگاه دیگر برای تقویت توانایی‌های ذهنی و مهارت‌های فکری بسیار دیر است و قدرت فلسفه ورزی در بزرگسالان نمی‌تواند به راحتی احیا شود. از جمله مهم‌ترین اهداف برنامه آموزش فلسفه به کودکان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. پرورش قدرت تفکر چند بعدی در کودکان که در نتیجه آن توانایی استدلال، داوری، خلاقیت‌های فکری و تفکر دقیق در آن‌ها پرورش یابد.
۲. تربیت مردان و زنانی که در پیچ و خم‌های زندگی ماشینی و الکترونیکی امروز با حجم بالای اطلاعات و فناوری بتوانند در زندگی روزمره شان، بر سر دوراهی‌ها تصمیم‌های درست بگیرند.
۳. مسئولیت‌پذیری، جامعه‌پذیری، انعطاف‌پذیری و درونی شدن رفتارهای اخلاقی در کودکان (فیشر، ۱۳۸۵: ۲۶۸)

فلسفیدن به کودکان کمک می‌کند که علاوه بر بحث معنویت، حتی در زندگی روزمره نیز از قضاوت‌های صحیح‌تری بهره‌مند شوند.

برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به بررسی رابطه بین مفهوم فلسفه و دوران کودکی اختصاص یافته‌است. استفان به سه افق فکری مختلف اشاره داشت که به وسیله‌ی آن فلسفه برای کودکان به موضوع درسی مورد علاقه تبدیل می‌شود. اولین این افق‌های فکری متیو لیمن بود که نیاز به چنین برنامه‌هایی بر اساس مفهوم تفکر انتقادی را مورد بحث قرار داده‌است. او شدیداً متأثر از نظریه عمل‌گرایی دیویی بود (متیوز، ۱۳۹۷).

در این تحقیق نیز تأکید پژوهشگران بر دیدگاه لیمن است. آنچه «برنامه فلسفه برای کودکان» نامیده می‌شود. تلاشی است برای بسط تفکر و فلسفیدن در کودکان.

در حقیقت فلسفه برای کودکان بر اساس این ایده است که کودکان توانایی ساخت دانش و استدلال در یک اجتماع را دارند. در این برنامه هدف عمده افزایش مهارت کودکان در تفکر و استدلال و پردازش اطلاعات موجود است، و این همان معنای خاصی است که «فلسفه برای کودکان» شهرت دارد و در مجامع علمی جهان با عنوان از آن یاد می‌شود و نام اختصاری آن‌هاست (Haynes, A: 2002).

۲.۱ تفکر فلسفی و شعر کودک

با توجه به آن چه گفته شد تفکر فلسفی در حقیقت برنامه‌ای برای بهبود فرایند تفکر کودکان است که با وساطت علوم و فنون مختلف به ویژه، هنرهایی چون شعر، نقاشی و داستان صورت می‌گیرد. شیوه‌ای که با آن مهارت‌های گوناگون فکری آموزش داده می‌شود. مهارت‌ها و توانمندی‌هایی که در پرتو اجرای برنامه آموزش فلسفه و کودک در آنان باید ایجاد شود از این قرارند:

جستجوی مسئله، فهم قضاوت‌ها، سؤال کردن، انسجام فکری کردن، مشاهده تناسب‌ها، ارتباط برقرار کردن میان امور، تمرکز پیدا کردن روی مسئله، طبقه‌بندی کردن، ارائه‌ی دلیل، صورت‌بندی معیارها، نگاه کردن به امور از منظر وسیع‌تر، استفاده از مثال، تحلیل جملات و عبارات، مطالعه و ادراک پیش فرض‌ها، ساخت و ارائه توصیف‌ها و تبیین‌ها، کشف جانشین‌ها، دریافت دلالت‌ها، تعمیم دادن، گوش دادن فعال، سعی صدر پیدا کردن، بی‌طرف بودن، مشارکت پیدا کردن در ایده‌ها و تفکرات، مسائل را از دید دیگران دیدن، احترام گذاشتن به دیگران، شجاعت فکری پیدا کردن، بازنگری خود و اصلاح خویشتن، همه‌ی این مهارت‌ها در گرو یادگیری تفکر فلسفی است که محور اساسی برنامه لیمپین و همکاران اوست (صفایی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۶۸).

در این میان نقش هنر و به‌ویژه شعر به عنوان میانجی‌گر آموزش تفکر فلسفی و مهارت‌های فکری بسیار پر رنگ و قابل تأمل است. شعر کودک هم مانند داستان اگر وارد حیطه‌ی فلسفه بشود، منجر به تقویت مهارت‌های تفکر در کودک شده و کودک را به سمت مسئولیت‌پذیری، تیزبینی، خودباوری، انعطاف‌پذیری و منطقی بودن هدایت می‌کند. مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر کودک در پدیده‌های روزمره زندگی می‌تواند خود را نشان دهد. مثلاً کودک شعری را زمزمه می‌کند که چرا پر کلاغ سیاه است و در واقع ناخودآگاه روحیه‌ی پرسشگری پیدا می‌کند. یا وقتی شعر من یک سیب قشنگم را می‌خواند صرفاً آموزش نمی‌بیند، بلکه با تعریف کردن از خود، مفهوم اعتماد به نفس در او شکل می‌گیرد.

۳.۱ پیشینه پژوهش

با بررسی‌ها و مطالعات حوزه‌ی فلسفه و ادبیات کودک مشخص شد پژوهش‌هایی که به فلسفه‌ی ادبیات کودک پرداخته باشند بسیار اندک هستند. ویژگی‌ها و مسایل فلسفه‌ی

ادبیات کودک (۱۳۸۲) از مرتضی خسرونژاد تنها تحقیقی است که به صورت گسترده ضرورت بررسی فلسفه ادبیات کودک و ویژگی‌های آن را مورد بررسی قرار داده است. از دیگر پژوهش‌ها می‌توان به «بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در رمان‌های برگزیده‌ی نوجوان فارسی دهه ۸۰» (۱۳۹۲) نوشته‌ی امید‌نیا و همکاران، «تأملی بر هم‌نشینی ادبیات کودک و فلسفه در برنامه‌ی فلسفه برای کودکان» (۱۳۸۶) اثر مرتضی خسرونژاد، «فلسفه و عمل: ادبیات کودک و نظریه آن در بریتانیا» از پیتر هانت؛ مترجم طاهره آدینه پور (۱۳۸۱)، «فلسفه‌ی ادبیات کودک و فلسفه در ادبیات کودک تضاد یا تعامل؟» (۱۳۸۸) از مریم شریف نسب در مجله فرهنگ اشاره نمود. با این حال تحقیقی که به بررسی مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان پرداخته باشد مشاهده نشد، از این جهت این تحقیق نوآوری دارد.

۴.۱ روش پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی مؤلفه‌های تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان است. روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است. بنابراین اصلی‌ترین مهارت‌های تفکر فلسفی بر مبنای مبانی فلسفی تعلیم و تربیت و برنامه‌های فلسفه برای کودکان در شعر کودک و نوجوان شاعران مذکور واکاوی و بررسی شده است. مهارت‌های تفکر فلسفی به صورت ترکیبی و از منابع آموزش فلسفه به کودکان گرفته شده است. البته برای اینکه متکی بر نظریه‌ی منسجم و دربرگیرنده باشد، تکیه اصلی تحقیق بر مبنای برنامه‌ی فلسفه برای کودکان خواهد بود. برنامه‌ای که لیپمن به عنوان بنیان‌گذار آموزش فلسفه به کودکان طراحی و تبیین کرد. لیپمن و همکارانش برنامه آموزش فلسفه به کودکان را با تکیه بر محور تفکر پیش بردند و معتقد بودند که فلسفه برای کودکان یکی از راه‌های تدریس و یادگیری است که در آن کودکانی متفکرتر و عاقل‌تر با درک بالاتر از مسائل اجتماعی تربیت می‌شوند. این برنامه

کودکان را به شک و تردید، قضاوت در مورد باورها و ایده‌هایشان و به چالش کشیدن آن‌ها را تشویق می‌کنند و آن‌ها را به تفکر عمیق در مورد مسائل اخلاقی تشویق کرده و سبب بهبودی انگیزه و اعتماد به نفس در کودکان می‌شود. آن‌ها همچنین بیان می‌دارند که برنامه p4c به کودکان کمک می‌کند تا به بحث و پرسیدن سؤالات نظام‌مند تشویق شوند (همان: ۶۶).

بنابراین در تحقیق پیش رو با توجه به مؤلفه‌های آموزش فلسفه به کودکان، ده مشخصه تفکر فلسفی انتخاب و اشعار شاعران بر اساس آن‌ها تحلیل خواهد شد.

۲. انواع مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر غلامرضا بکتاش و ناصر کشاورز

در این قسمت که بحث اصلی مقاله خواهد بود، مؤلفه‌ها و مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر دو شاعر مذکور در ده مورد مجزا طبقه بندی و تحلیل خواهد شد.

۱.۲ کاوشگری و کنجکاوی

در ضمیر هر کودکی نیروهایی کنجکاو وجود دارند که او را به پرسشگری از دنیای بیرون و درون هدایت می‌کنند. این روحیه‌ی کاوشگری، آنان را به فیلسوفانی کوچک بدل می‌کند که بزرگسالان نباید از این وضعیت غفلت کنند. کاوشگری فلسفی یعنی این که رسیدن به پاسخی منطقی از راه تأمل و تفکر پیرامون پدیده‌های مختلف. در حقیقت، شعر با زمینه‌ی کاوشگری تفکر را به کودک آموزش نمی‌دهد بلکه امکان و شرایط لازم برای تفکر را در اختیار آنان می‌گذارد. «کنجکاوی انسان درباره‌ی مسائل پیچیده و خاص به شناخت‌های خاصی که از آن‌ها به فلسفه و علم تعبیر می‌کنیم، منجر می‌شود و مجموعه‌ی شناخت‌ها تمدن و فرهنگ بشر را به وجود می‌آورد که موجب امتیاز او از سایر حیوانات است» (شعاری نژاد، ۱۳۸۶: ۸۴). یکی از زمینه‌های مهم برای تقویت قدرت کاوشگری و حرکت به سمت آموزش، کنجکاوی اشعاری است با زمینه‌های تفکر فلسفی، که کندوکاو فلسفی را به آنان آموزش می‌دهد. شعر زیر از همین طریق با جزئی‌ترین مسائل عادی زندگی چشم‌اندازهای پرسش‌گونه‌ای پیش چشم کودک می‌آورد تا او را به سمت کنجکاوی هدایت کند.

چه کنم چه کار کنم؟	برف‌های سفید و نرم
مثل یک پتوی گرم	افتاده رو باغچه‌مون
باغچه الان لالا کرده، زیر اون	چه کنم چه کار کنم؟
فکر بازی اومده توی سرم	روی برف‌ها بپریم یا نپریم؟!

(ناصر کشاورز، ۱۳۷۰: ۲۳).

در شعر بالا حس پرسشگری کودک تقویت می‌شود. این که چگونه به دنیای اطراف خود بنگرد، چه واکنشی به اتفاقات نشان دهد یا از دیگران بپرسد که در شرایط مختلف چه کار باید کرد، همه‌ی این‌ها روح سرکش او را به سمت گسترده‌تر شدن پیش می‌برند. وقتی کودکان درباره‌ی مسائل با تعمق بیشتری به تفکر می‌پردازند، به ملاحظه‌ی بیشتر و توجه به دیدگاه‌های جایگزین، با بررسی دلایل مؤید این دیدگاه‌ها گرایش می‌یابند، زیرا آن‌ها در ابتدا تصور می‌کنند که با پرسش‌هایی سر و کار داشته‌اند که پاسخ صحیح واحدی دارد، اما به تدریج درمی‌یابند که به احتمال‌های مختلف توجه کنند. در نتیجه در تفکر خود انعطاف سعه‌ی صدر بیشتری می‌یابند و به تصحیح نظر خود می‌پردازند. «موتیاشو مطالعه‌ی ادبیات را راه عمده‌ای برای مقابله با این وضع دانسته، بر ظرفیت افسانه، داستان، شعر و سایر گونه‌های ادبی در نمایاندن شگفتی‌های دنیای اطراف کودکان و برانگیختن قدرت تصور و اراده‌ی او تأکید می‌ورزد» (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۱۶۴). این نوع تغییر نگرش، جنبه‌ی مهمی از فرآیند پژوهش است که به خود تصحیحی کودکان منجر می‌شود و درنهایت، کودکان به خود رهبری یا خود مختاری دست می‌یابند که نشانگر رشد شخصی است.

باز راه افتاده است	کار من با یک مداد
هیچ کس قد درخت	مطلبی یادم نداد
جامداد کوچکم	جعبه ابزار من است
ساختن با واژه‌ها	روز و شب کار من است
در میان جعبه‌ام	پیچ انبردست نیست
کنجکاوی کن بگو	کار من در خانه چیست؟

(بکتاش، ۱۳۸۸: ۸)

لیپمن بر آن است که تفکر به شیوه‌ی فلسفی فرد را به ابزاری مجهز می‌کند که امکان تفکر مستقل و پرسشگری از خود و دیگران را فراهم می‌آورد و کسی که قادر به استقلال فکری است می‌تواند در عمیق‌ترین احساسات، ارزش‌ها، و حتی هویت فردی خود کاوش کند (لیپمن، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

۲.۲ خلاقیت و تخیل

تخیل یکی از مهارت‌های فکری فلسفی است که در برنامه‌ی فلسفه به کودکان بسیار به ابعاد مختلف آن توجه دارد. تخیل قدرت ذهن انسان است که خود را در فرایند تفکر نشان می‌دهد.

نویسندگان، بر سر این امر توافق دارند که تخیل، هسته‌ی مرکزی برجسته‌ای است که تصویر چیزهایی را خلق می‌کند که حضور یا وجود ندارند. مکانیزمی از ذهن و فکر است که چیزهایی را می‌سازد و آن‌ها را در غیابشان لمس و درک می‌کند. تخیل، توانایی فکر است برای اینکه تصورات را شکل دهد و منفعل نیست (ویگوتسکی، ۱۳۸۱: ۱۸).

یکی از مهارت‌های فکری، استفاده از موقعیت‌های مجازی است که به کمک شعر، به خوبی می‌تواند محملی برای تخیل آفرینی کودکان شود. چنان که در این شعر می‌بینیم.

شعر گفتن ساده نیست	مثل سنگگ پختن است
مایه‌اش شکل خمیر	پختن آن گفتن است
شاعر آن را می‌پزد	در تنور واژه‌ها
مایه تا آماده شد	از خمیر سوژه‌ها
شعر، نان تازه است	شاطر آن شاعر است
می‌پزد هر واژه را	توی کارش ماهر است
شعر را مانند نان	دست مردم می‌دهند
شعر طعم زندگیست	بوی گندم می‌دهد

(بکتاش، ۱۳۹۲: ۲۴)

کودکان با به کارگیری قوه‌ی تخیل می‌توانند خود را به جای دیگری تصور کنند و به درک مسایل، از دید دیگران پردازند، فرضیه‌سازی کنند، تلاش کنند به افکار و احساسات دیگران نزدیک شوند، خود را هم‌عاطفه با آن‌ها ببینند، بی‌طرفانه در اظهار ایده‌ها شرکت کنند و با به کارگیری این مهارت مهم در مجموع بتوانند به همدلی با دیگران پرداخته و با استفاده از تخیل فضیلت‌های اخلاقی را کسب کنند.

افراد خلاق کیفیت‌های تازگی، خود انگیختگی و شادی را حفظ می‌نمایند. وجود شباهت‌ها بین افراد خلاق و کودک به معنای بازگشت آن‌ها به کودکی نیست بلکه نشانه‌ی پیشرفتی با شجاعت است و آفرینش‌گران به جای اینکه کودکی خود را در پس پشت خویش جای گذارند، آن را با خود به پیش می‌برند که از آن به عنوان حیرت‌انگیز کودکی تعبیر می‌شود (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

همان‌گونه که در شعر بالا مشاهده می‌کنید، عنصر خیال به کودکان فرصت می‌دهد تا درباره‌ی تجربه‌های واقعی روشن‌تر بیندیشند و به مشاهده و تفکر درباره‌ی دیگران پردازند. این که کودک با خیال، خود را جای دیگری می‌گذارد یا به تصویرسازی از پدیده‌های گوناگون می‌پردازد، بی‌تردید به پرورش مهارت‌های چون نشاط‌گرایی، قدرت تخیل بالا و اعتماد به نفس منجر می‌شود «این بدان معناست که کودک به مرکزیت زدایی پرداخته و به درک دیگران دست یافته‌است این سیر حرکت از خود محوری به دیگر محوری نشانگر رشد اخلاقی است» (مرعشی، ۱۳۸۹: ۹۰).

من توی این فکرم که پاییز	یک خانم جاجیم باف است
موهای او نارنجی و زرد	خیلی قشنگ و صاف صاف است
امروز او در کوچه‌ی ما	کار قشنگ و جالبی کرد
جاجیم خوب و خوشکلی بافت	با برگ‌های قرمز و زرد

(کشاورز، ۱۳۷۱: ۱۱).

تخیل در شعر بالا منجر به خلاقیت‌زایی کودک شده است. خلاقیت؛ یعنی ابداع، آفرینش، اختراع و اکتشاف چه در زمینه‌ی اشیاء چه در زمینه‌ی افکار. کودک در این شعر می‌آموزد که می‌تواند از پدیده‌های معمولی و دم‌دستی تصویرهای نابی بسازد. او فقط یاد نمی‌گیرد که پاییز مثل یک خانم جاجیم باف است، بلکه یاد می‌گیرد که او هم می‌تواند از قوه‌ی تخیل خود استفاده کند و بهار را نیز خانمی می‌داند که این بار شال سبزی بر سر دارد یا زمستان را پیرمردی سپید مو به تصویر می‌کشد؛ این برترین مهارتی است که کودکان از طریق شعر فرا می‌گیرند. توانایی تفکر خلاق از طریق قدرت تخیل امکان‌پذیر خواهد بود. در حقیقت خلاقیت به ظهور درآوردن موقعیت‌های احتمالی، انجام آزمایش‌های ذهنی و خود را به جای دیگر گذاشتن است باید بدانیم که کودکان وقتی به این مهارت‌ها دست می‌یابند که در مباحث گروهی درباره‌ی مسائل مختلف بتوانند اظهار نظر کنند.

اگر امروزه از هنر شعرگویی و داستان‌خوانی برای کودکان بهره گرفته می‌شود، می‌تواند وسیله‌ای باشد جهت انتقال تجربیات و حالات احساسی به کودکان یا ابزاری جهت آموزش مفاهیم یا موضوعات زندگی یا وسیله‌ای برای پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت در کودکان. همان گونه که گفته شد مهم‌ترین عامل در ابداع‌گری و خلاقیت ذهنی کودکان، کمک گرفتن از قویه‌ی تخیل سرشار کودک است. شعر زیر این قدرت تخیل را در کودک فعال می‌کند و حس متفاوتی از عناصر طبیعی در او ایجاد می‌کند:

بهار نم نم آمد	از آخر زمستان
نشانه با خود آورد	به خانه درختان
برای دست شاخه	نگین صورتی ساخت
به گردن درختان	گل و شکوفه انداخت
درخت مثل دختر	بهار خواستگار است
جواهر شکوفه	نشانه بهار است

(بکناش، ۱۳۸۲: ۱۴).

مشاهده می‌کنیم که کودک در این شعر بین دنیای واقعی و خیالی پیوند ایجاد می‌کند، می‌تواند برای شاخه دست قائل شود، برای درختان گردن و با آموزش شیوه‌ی جانشین‌سازی، درخت را دختری پندارد و بهار را عاشقش. تأثیر قوه‌ی تخیل در تقویت مهارت خلاقیت از سوی بسیاری از پژوهشگران و متخصصان مطرح شده است

در کتاب *کاربردهای خلاق ادبیات کودکان* می‌خوانیم که برای اولین قدم در تجربه نوشته‌ی خلاق از کودکان بخواهیم که هر یک شیوه‌ای را برای ورود به سرزمین خیالی که می‌توانند آن را باور داشته باشند انتخاب کنند همین‌طور تصمیم بگیرند که خود در این سرزمین جادویی می‌خواهند چه شخصیتی داشته باشند (قاسم‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۲۸).

۳.۲ استدلال

قدرت استدلال شامل ارائه‌ی دلیل و واضح کردن عبارات مبهم و نامفهوم متن است. اصولاً تفکر انتقادی در برنامه‌ی فلسفه برای کودکان با هدف اساسی تربیت و پرورش افرادی منعطف و منطقی ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که از طریق آن‌ها می‌توانیم کودکان را به

توانمندی‌هایشان نزدیک‌تر کنیم. استدلال‌های کودکی معمولاً از سنین سه تا چهار سالگی آغاز می‌شود و با آموزش‌های والدین می‌تواند در مراحل بعد تثبیت شود. نمونه‌ای از استدلال منطقی را در شعر زیر تماشا می‌کنیم:

یک سیب قرمز	یک سیب شیرین
از روی می‌مزم	افتاد پایین
داداش من گفت	قل می‌خورد سیب
میز تو دارد	یک عالمه شیب

(بکتاش، ۱۳۸۷: ۷).

این شعر کوتاه به تنهایی حامل یک استدلال است. شاعر با درگیر کردن ذهن کودکان به وسیله‌ی پدیده‌های دوست‌داشتنی زندگی او، نوعی تفکر منطقی در مواجهه با مسائل روزمره را به او آموزش می‌دهد. این قدرت تفکرزایی شعر است که می‌تواند به پرورش قوه‌ی استدلالش کمک کند. بنابراین کودک برای یک اتفاق دنبال دلیل می‌گردد و متوجه می‌شود که چون میز شیب تندی دارد و سیب هم دایره‌ای شکل است پس استدلال می‌کند که دلیل افتادن سیب، شیب تند میز است. نگاه خلاقانه عامل اصلی برخاستن آفرینش‌گری است. چون که خلاقیت به توصیف در نمی‌آید و قابل تعریف نیست و انسان خلاق در وهله‌ی اول با پرسش ارتباط عمیقی برقرار می‌کند.

شخص خلاق دو تمایز هم‌ستیز دارد یکی مورد سؤال قرار دادن هر پیش‌فرض و انکار شیوه‌های معمول تفکر و دیگری به کمال پرداختن به موضوعی خاص، کاوشی نظام‌دارتر و جامع‌تر و ژرف‌تر درباره‌ی آن به طریقی که کسی تاکنون به آن حد دست نیافته‌باشد (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۱۶۰).

یکی از نمونه‌های بسیار زیبا که مفاهیم عمیق اجتماعی و ارزشی را در قالب استدلالی قوی و محکم آموزش می‌دهد شعر زیر است که به جرأت می‌توان گفت نیمی از جنبه‌های آموزشی آن به تربیت تفکر انتقادی و فلسفی مرتبط است.

آگه اذیت کنیم	درختا رو می‌میرن
از سر زندگیمون	سایه شونو می‌گیرن
درختا مهربونند	مثل خود بهارن

مواظبن پاشونو	روی گلا نذارن
درخت اجازه داده	پاییز بیاد تو کوچه
درخت اجازه داده	ما بخوریم آلوچه
پدربزرگا کاشتن	درختا رو برامون
ماهم باید بکاریم	برای بچه‌هامون

(بکتناش، ۱۳۸۷: ۶).

این شعر با ظریف و دقیق خود به آموزش منطق‌ورزی و استدلال‌های صحیح و دقیق منجر شده است. چگونه می‌شود زیاتر از این منطقی عمل کردن و مستدل برخورد کردن با وقایع روزمره را به کودک تعلیم داد. این شعر خواسته یا ناخواسته آنان را به سمت قواعد منطقی زندگی اجتماعی هدایت می‌کند و مسائل مورد علاقه آنان را طوری تشریح می‌کند که به افزایش قدرت بیان و اظهار نظر کردن کودکان می‌انجامد. مشاهده می‌کنیم که این شعر در عین لطافت هنری و ظرافت کودکانه از یک روش کاملاً منطقی پیروی می‌کند. ابتدا به توصیف فواید درختان و شرح آن برای کودکان می‌پردازد و بعد می‌گوید اکنون که درخت این همه محبت در حق ما انجام داده‌است باید به ادامه‌ی حیات او بیندیشیم، سپس دلیل می‌آورد که چون اجداد ما زمینه‌ی این نعمت را برای ما فراهم کرده‌اند ما هم قاعداً باید این فضا را برای نسل‌های بعدی حفظ کنیم؛ بنابراین ضمن آن که کودک مشغول آموزش اهمیت درخت و درختکاری است اما در یک فرآیند فکری با یک الگوی منطق‌ورزی و استدلال آوری مواجه است.

یکی از روش‌های استدلال، آوردن دلیل‌هایی عاطفی و اقناع کردن مخاطب با قدرت عاطفه است که به آن استدلال اقناعی می‌گویند. در این نوع استدلال دلیل‌ها خیلی مبنای منطقی ندارند بلکه کوشش می‌کنند تا احساسات مخاطب را قانع کنند. این تکنیک، فراوان در شعر کودک و نوجوان یافت می‌شود؛ مثلاً وقتی قیصر امین پور در پایان شعر «گل به خنده گفت زندگی شکفتن است» می‌گوید باید به حرف گل گوش کنیم چرا که هر چه باشد او گل است و گل چند پیراهن بیشتر از غنچه پاره کرده است و با تجربه‌تر است؛ درحقیقت یک نوع استدلال اقناعی را آموزش می‌دهد و از نظر عاطفی ذهن ما را اقناع می‌کند. با این توضیح شعر زیر را که بخوانیم متوجه می‌شویم شاعر آن را با همین تکنیک به فرجام رسانده است. در حقیقت کودک در این شعر استدلال می‌کند که هر پسته‌ای که

اخمو باشد، پس بی‌مغز است و پس از آن چنین نتیجه می‌گیرد که این پسته‌ی بی‌مغز مثل آدم بی‌خرد است که برای جامعه جز درد سر چیزی ندارد.

یک مشت پسته	بابا به من داد
خوردم از آن‌ها	خیلی شدم شاد
بودند خندان	خوشمزه و شور
تا این که دیدم	یک پسته‌ی کور
احساس کردم	آن پسته اخم‌وست
مغزی ندارد	در زیر آن پوست
دیدم که ای وای	شد پسته‌ام خرد
دیگر نمی‌شد	از مغز آن خورد
هر پسته‌ای که	خندان نباشد
جز دردسر هیچ	در آن نباشد

(کشاورز، ۱۳۸۴: ۲۱).

کودکان باید بتوانند در موقعیت‌های مختلف چالش‌های مناسبی را تجربه کنند

تنها کافی نیست که توانایی منطقی را در آن‌ها پرورش دهیم گرچه چنین پرورشی ضروری است. رشد کودکان به میزان تحریک کنجکاوی و خلاقیت آن‌ها بستگی دارد به جز این که کودکان بتوانند به طور تخیلی تصور کنند تنظیم هدف‌ها برای آن‌ها دشوار خواهد بود (کریمی، ۱۳۸۳: ۸۰).

۴.۲ مهارت کشف

داستان‌ها، اشعار، نقاشی‌ها و انیمیشن‌ها همه و همه می‌توانند در صورتی که جهان بینی خاصی و نگاه ویژه‌ای نسبت به هستی داشته باشند برای آفرینش قوای فکری کودک مفید واقع شوند. یکی از ابزار اصلی آموزش تفکر در برنامه فلسفه برای کودکان می‌تواند اشعاری باشد که کودک را در معرض کشف جهانی تازه قرار می‌دهد. قبل از آن لازم است این نکته را توضیح دهیم که رابطه‌ی فلسفه و ادبیات کودک را در دو شکل متصور شده‌اند

ادبیات در خدمت فلسفه و فلسفه در خدمت ادبیات. در صورتی که ادبیات را ابزاری در خدمت فلسفه بدانیم آن‌گاه می‌توان به فلسفه از دو دیدگاه نگریست. دیدگاه اول فلسفه را محتوا به حساب می‌آورد که در این صورت نقش ادبیات آموزش فلسفه به کودکان خواهد بود. نگاه دیگر به فلسفه آن است که متن ادبی کودک را وسیله‌ای بدانیم که از طریق آن می‌توان به کشف نظریه‌ی فلسفی نویسنده متن دست یافت. در این صورت تصور بر این است که هر نویسنده یا شاعر دارای فلسفه‌ای است که خواسته یا ناخواسته در متنی که آفریده است مستتر است (خسرو نژاد، ۱۳۸۶: ۱۳).

مهم‌ترین ابداعات و ابتکاراتی که نظام بشری را تسخیر کرده است برخاسته از خلاقیت‌های کودکی بوده است. اختراعات دانشمندان بزرگ ریشه در نگاه متفاوت آن‌ها از دوران کودکی داشته است. شعر زیر را با این نگاه و در چهارچوب همین تفکر فلسفی بررسی می‌کنیم. شعری که پایان‌بندی آن آغازی است بر کشف کودکانه.

گرفتم سیبی از مامان	که شکل قلب آدم بود
ولی خیلی بزرگ و چاق	تمام آن زیادم بود
به او گفتم که سیبم را	بیا نصفش بکن لطفاً
به یاد دوستم هستم	که بازی می‌کند با من
دل‌م می‌خواهد از سیبم	برای او ننگه دارم
به من لبخند زد مامان	خوشش آمد از این کارم
بله آن روز سیب من	دو قسمت شد ولی با پوست
چه زیبا بود در دستم	کنار هم دو قلب دوست

(کشاورز، ۱۳۷۳: ۲۵)

با توجه به اینکه آموزش‌های هنری و نوع مواجهه‌ی کودکان با آن‌ها به کشف بهتر دنیای کودک کمک می‌کند، ضروری است هنرمندان، نویسندگان و شاعران کودک این نگاه خلاق‌آفرین که در شعر ناصر کشاورز مشاهده شد به همین کیفیت اما در حجم و شکل‌های متنوع و گسترده‌تر مورد توجه قرار دهند. اینکه شاعر از دل یک سیب که هر روز شاید کودکان آن را به چشم عادی می‌نگرند چنین شعری را می‌نویسد و آن چنان کشفی را پیش چشمشان نمایان می‌کند. بی‌تردید به کودک کمک کرده تا هر روز در اشیا و پدیده‌های پیرامون خود خیره شده و دنیایی متفاوت، آرمان‌هایی متنوع و اندیشه‌هایی فیلسوفانه

استنباط و استخراج کند. «با این روش فکر آن‌ها برانگیخته می‌شود و تا زمانی که قابلیت نقادی و خود انتقادی در آن‌ها پدید نیامورد آرام نمی‌گیرد و این به نوبه‌ی خود آن‌ها را به خود اصلاحی سوق می‌دهد» (لیپمن، ۱۳۸۳: ۲۹).

می‌چشیدم من فقط	مزه‌ها را با زبان
می‌زدم با سیب سرخ	حرف از راه دهان
فکر کردم جز زبان	هست راه دیگری
سیب را باید چشید	با نگاه بهتری
سیب را غیر از زبان	با دوچشمم می‌چشم
مزه‌ش را با مداد	روی کاغذ می‌کشم

(بکتاش، ۱۳۸۳: ۱۱)

۵.۲ پرسش‌گری

کودک ذاتاً دوست دارد همه چیز را مورد پرسش قرار دهد. پرسش‌های کودکانه‌ای که آغازی است بر تفکر فلسفی و به تعبیری فلسفیدن. پرسش، اولین قدم ارتباط در گفت و گو برای کشف فرایند تفکر محسوب می‌شود. هنر هم می‌تواند، به‌رغم شیوه‌های خاص خود، برانگیزاننده‌ترین نیروی محرک ارتباط عاطفی که به فهم متقابل منجر می‌شود به حساب آید. «تفکر در خلأ عاطفی شکوفا نمی‌شود، تفکر فعالیتی است که مستلزم داشتن هدف و نیروی محرک است و ارتباط عقل با عاطفه نیز نخستین انگیزه برای یادگیری و رشد هوش را فراهم می‌کند» (فیشر، ۱۳۸۵: ۱۶).

به من دوباره گفتند	چرا پرت سیاه است؟
چرا نوکت بزرگ است؟	چرا سرت سیاه است؟
برایشان نوشتم	کلاغ باسواد است
پرش پر از مرکب	نوکش پر از مداد است
کلاغ مثل طوطی است	که واکس خورده باشد
بدون واکس راحت	نمی‌شود خیالش
تو حاضری بینی	قفسس کلاغ دارد؟

کسی ســـــراغ دارد؟	کـــــلاغ میلـــــه میلـــــه
آفتابـــــت را بتـــــاب	کی به این خورشید می گوید نخبواب؟
تـــــوی حـــــوض آســـــمان؟	کی زده فواره ی رنگین کمان
آســـــمان، مهـــــتاب را	از کجا آورده دریا آب را؟
شـــــادمانی داده اســـــت؟	کی به دلها مهربانی داده است؟
دوستـــــدار بچـــــه هاســـــت	او خدای مهربان و خوب ماست

(کشاوری، ۱۳۷۶: ۳)

پرسش های گوناگون، تأمل برانگیز و حتی بی اساس کودکان تابع هیچ قاعده و قانون خاصی نیست. واقعاً چه کسی پرسیدن و این گونه پرسش ها را به آنان آموخته است. قطعاً آنان در برنامه ای مدون از سوی بزرگسالان به تعلیم پرسش مشغول نشدند. چرا که حتی گاهی خود بزرگسالان از انبوه پرسش های بی وقفه کودکان به سطوح می آیند. اگر کودک نپرسد کشف نخواهد کرد و اگر قدرت کشف پیدا نکند از کنار مسائل و موقعیت های زندگی اش عادی و بی تفکر خواهد گذشت. از این جهت شعر بالا پرسش هایی با رنگ و بوی از کجا آمده است، چرا این گونه است را در مورد یک پرنده ی معمولی بیان می کند. و برای لحظاتی هم که شده ذهن کودک را معطوف این پرسش ها می کند. قطعاً این سؤالات نیاز به پاسخ هایی واقعی ندارد. بلکه رغبتی در آنان ایجاد می کند که جهان هستی را به چالش بکشند و علاوه بر آن در مورد هر چیزی شبیه آن که دیدند پرسش هایی تازه در ذهنشان شکل بگیرد و باز هم قدرت تفکر آنها را بیوراند.

چرا که تفکر با پاسخ دادن تحریک نمی شود ولی با مطرح کردن سؤال تحریک می شود. شما فقط زمانی فکر می کنید و یاد می گیرید که سؤال داشته باشید. سؤال کردن سؤالات بعدی را بر می انگیزد و تفکر را در زندگی تداوم می دهد و نیرویی برای روبرو شدن با پیچیدگی هاست (فیشر، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

متخصصان آموزش فلسفه به کودکان بر این نکته اصرار دارند که

که کل تفکر خلاق و نوآورانه توأم با ابتکار نوعی تحقیق است و از این رو تمامی هنرها را نوعی تحقیق محسوب می کنند و آن را برای اهداف خود مفید می شمارند. اما تمرکز آنها بر ادبیات یا هنرها بیشتر به عنوان وسیله ی کمک آموزشی بوده تا اثر ادبی هنری؛ به گونه ای که ادبیات را تا حد سفارش و تولید داستان های

مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان ... (علی‌اکبر سام‌خانیانی و دیگران) ۱۰۱

فلسفی از کیفیت هنری خویش خارج کرده و برنامه‌ی آموزش تفکر را از تأثیر ذاتی و کارکردهای محتوایی هنر کمتر بهره‌مند ساخته‌اند (خسرونژاد، ۱۳۸۷: ۹۱).

پنبه هم چیز عجیبی است	من نمی‌دانستم این را
تا خودم با چشم‌هایم	دیدم او را توی صحرا
رفته بود او توی غوزه	مثل یک گل دیده می‌شد
او به دست پنبه چینان	دانه دانه چیده می‌شد
غوزه‌ها بر عکس پنبه	خشک و خشک و سفت بودند
من نمی‌دانم چجوری	این دو با هم جفت بودند

(کشاورز، ۱۳۸۵: ۲۰).

در حقیقت جلوه‌گاه نگاه فلسفی کودکان، امواج پرسش‌هایی است که با نگاه خیره به اطراف خود به زبان می‌آورند. آن‌ها به صورت خاموش و آرام با همین شعر روند اجتماعی شدن و تبدیل به بزرگسالی را طی می‌کنند. می‌بینیم که کودک یاد می‌گیرد در این شعر که نگاه منفعل به چیزی مثل پنبه حتی نداشته باشد. شاعر به او دقیق شدن در این اشیا را می‌آموزد، مرحله به مرحله رشد آن را از نظر می‌گذراند. آیا برای اینکه در آینده یک پنبه‌کار ماهر شود چنین شعری را باید بخواند و حفظ کند یا برای اینکه با ویژگی‌های پنبه آشنا شود. قطعاً جواب منفی است. او باید با طرح پرسش‌های فلسفی ذهن خود را جستجوگر بار بیاورد. این اشعار به صورت ارادی و به طور فزاینده حافظه‌ی کودک را به سمت نگاه فلسفی سوق می‌دهند. اهمیت این اشعار پرسش‌گونه وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم

پرسش خوب تفکر را به چالش می‌کشد و تلاشی برای فهمیدن است. این گونه پرسش‌ها دشوارند معمولاً از چیزی قطعی سرچشمه نمی‌گیرند و خواستار پاسخ بی‌انتها و متفکرانه‌اند. آن‌ها زایا هستند زیرا چیز جدیدی تولید می‌کنند. بهترین پرسش‌ها هر دو عنصر چالش و علاقه را ایجاد می‌کنند (فیشر، ۱۳۸۵: ۹۶).

۶.۲ قیاس و سنجش

یکی از توانایی‌های تفکر فلسفی قدرت برقراری ایجاد ارتباط بین امور عینی و ذهنی و سنجش آن‌ها با یکدیگر است که خود حاصل تفکر صحیح، منطقی و فضای آرام اجتماعی

و خانوادگی است. این قدرت ارتباط و مقایسه بین اشیا و اشخاص ممکن است از مقایسه‌های نامربوط شروع شود اما نباید واکنش منفی بزرگسالان را در پی داشته باشد. چرا که آرام آرام خود کودک در اثر پردازش اطلاعات ذهنی به توازن و تعادل می‌رسد و این مهارت مهم را نیز فرا گرفته است.

کودکان پنج، شش یا شاید هفت ساله بیشتر احتمال دارد که پرسش‌های فلسفی مطرح کنند و نظر فلسفی ارائه دهند تا کودکان دوازده یا چهارده ساله. توضیح این پدیده پیچیده است و بخشی از این پیچیدگی نیز مربوط به ماهیت فلسفه است. در واقع گونه‌ای از معصومیت و سادگی درباره‌ی بسیاری و شاید بیشتر پرسش‌های فلسفی وجود دارد و این چیزی است که بزرگسالان از جمله دانشجویان دانشگاه، آنگاه که نخستین کتاب فلسفه را به دست می‌گیرند، مجبورند در خودشان پرورش دهند، درحالی که برای کودکان این امری طبیعی است (متیوز، ۱۳۹۷).

شهر یک دیگِ بزرگ است	خوب دقت کرده باشی
مردمش در جنب و جوشند	توی آن مانند آشی
بعضی از ما نقش سبزی	یا نخود یا ماش داریم
یک‌به‌یک نقشی مهم در	پختن این آش داریم
آن که حتی نقش فلفل	ادویه یا سیر دارد
عطر و طعم و مزه‌ی او	روی ما تأثیر دارد
هر کدام از ما نباشیم	کار می‌لنگد شب و روز
پس بیا با هم بجوشیم	تا شویم آشی دهان‌سوز

(ناصر کشاورز، ۱۳۷۷: ۱۱)

این شعر را می‌توانیم نمونه‌ای بدانیم که قدرت ارتباط و مقایسه کودک را نشان می‌دهد. حتماً باید به این نکته اشاره کنیم که این نمونه با نمونه‌ی اشعاری که در قسمت تجزیه تحلیل آورده‌ایم اگرچه در نگاه اول نزدیک به هم به نظر می‌رسند اما تفاوتی بنیادین دارند. در آن جا ما شعری را بررسی کردیم که به کودک یاد می‌داد چگونه پدیده‌هایی مثل آفرینش و خلقت را تبیین و تحلیل کند اما در این شعر مهارت سنجش و ارتباط برقرار کردن بین عناصر و اشیا زندگی خیلی برجسته‌تر است. کودک در این شعر یاد می‌گیرد که می‌تواند شهر، روستا و یا کشورش را مثل یک ظرف بزرگ یا هر چیز دیگری بداند و

مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان ... (علی‌اکبر سام‌خانیانی و دیگران) ۱۰۳

پس از آن اجزای آن را با هم مقایسه کند و به نتیجه برسد. این فرصت باید از طریق تقویت قدرت تخیل و خلاقیت که در بالا اشاره شد، برای کودک فراهم شود. از سویی در محیط مدرسه و خانه باید توجه شود زمینه‌های رویش خلاقیت که خود بستر ظهور سؤالات فلسفی است در وجود کودک از بین نرود. خلاقیت کودکان در اثر فرایندی دستکاری شده در نظام خانواده یا نظام آموزش و پرورش ممکن است تا حد زیادی افت کند یا به سمت نادرستی هدایت شود.

به نظر می‌رسد که واقعیت افت میزان خلاقیت کودکان به محض ورود به مدرسه از آنجا برمی‌خیزد که نظام آموزش و پرورش می‌کوشد تا به تمام سؤالات کودک پاسخ‌هایی از قبل آماده ارائه دهد و علاوه بر آن بسیاری از پاسخ‌ها را نیز بدون وجود سؤال به گونه‌ای القایی در حافظه‌ی او جای دهد (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۱۶۳).

ذهن خلاق و نقاد کودک با شیوه‌های هنری آموزش همچون شعر ارتباط عاطفی عمیقی برقرار می‌کند در واقع خردورزی و اندیشه‌گرایی کودکان حاصل بازی‌های هنری و درگیر شدن قوه تفکر آنان است. تفکر فلسفی وقتی در محتوای هنری ارائه شود، بهتر می‌تواند خود را به مقصود خویش نزدیک کند. نکته دیگر این که آموزش مهارت‌های فکری در دوران کودکی نمی‌تواند بدون وساطت هنرهای درخشانی چون شعر موفق و کاربستی باشد چرا که آموزش فلسفه و تفکر انتزاعی به ذات خود، خاصیت بزرگسالی دارد و مطرح کردن آن برای کودکان الزماً نیاز به بستر و زمینه آموزشی خاص هنری دارد. ادبیات یکی از شیوه‌هایی است که آموزش مهارت‌های تفکر فلسفی به کودکان را برایشان دلنشین‌تر می‌کند.

چند چین افتاده است	روی صاف صورتش
اخم مثل یک گره	در کلاف صورتش
با نگاهم خوب شد	مادرم از دست درد
خنده مثل یک اتو	صورتش را صاف کرد

(بکتاش، ۱۳۹۱: ۱۳)

این مقایسه کردن در سطحی ابتدایی با عناصر معمولی و دم‌دستی یعنی کودک باید از امور آشنا شروع کند «حداقل فلسفه‌ورزی کودکان فلسفه‌ی محسوس و از جهاتی به معنای فعالیت انتزاعی با توجه به زمینه‌های فرهنگی و مصادیق است» (فانیدی، ۱۳۹۴: ۱۰۱).

۷.۲ مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری مفهومی است که کودکان در جریان پژوهش مشترک کلاسی، به آن می‌رسند. بدین ترتیب که آن‌ها می‌آموزند درباره‌ی اظهارات خود با استدلال، دفاع کنند و در قبال آن‌ها مسئولیت‌پذیر باشند. لیپمن معتقد است که «از طریق این فرایند، کودکان به جایی می‌رسند که مسئولیت گفته‌ها و افکار خود را به عهده می‌گیرند و دیگران را نیز قادر به انجام این کار می‌کنند» (لیپمن، ۱۳۸۳). علاوه بر این، در حلقه‌های کندوکاو، کودکان با مشاهده واکنش دیگران نسبت به خود پیش‌بینی واکنش‌ها و تجربه‌های واکنش‌های شخصی و ضوابط رفتار هنجارگرا در سخن عمل را فرا می‌گیرند و این روند آن‌ها را در پرورش توانمندی‌های فردی، اجتماعی و اخلاقی همچون مسئولیت‌پذیری و احساس داشتن شخصیت اجتماعی یاری می‌رساند. یکی از جنبه‌های مهم نتایج تفکر فلسفی ایجاد حس مسئولیت پذیری است که نشانگر رشد شخصی کودک است. شعر زیر از غلامرضا بکتاش نمونه‌ی شایسته‌ای است که فرآیند مسئولیت‌پذیری را در ذهن کودک تقویت می‌کند. این که کودک شعری را حفظ می‌کند که در آن خودش با زبان خود می‌گوید مورچه به سختی کار می‌کند و مواد خوراکی خود را در گوشه‌ی انبار ذخیره می‌کند و اینکه زحمتکش است؛ قابلیت پذیرش و به عهده گرفتن کارها را در آینده برای او راحت‌تر می‌کند این در حالی است که کسی از او نمی‌خواهد وظیفه‌ی کاری خود را انجام دهد بلکه خودش برای خود مسئولیتی قائل می‌شود و آن را انجام می‌دهد بنابراین این شعر به زیبایی توانسته است مسئولیت‌پذیری را در کودک تقویت کند.

مورچه با شاخکش	سخت درو می‌کند
لانه‌ی خود را پر از	گندم و جو می‌کند
مورچه انجام داد	کار خودش را خودش
گوشه‌ی انبار ریخت	بار خودش را خودش
مثل کشاورزها	مورچه زحمتکش است
جایزه‌ی زحمتش	چند عدد کشمش است

(بکتاش، ۱۳۹۵: ۲۰).

یکی از روش‌های مؤثر در آموزش و تقویت حس مسئولیت‌پذیری در کودکان و اگذار کردن برخی از امور شخصی به آن‌ها با در نظر گرفتن میزان توانمندی‌هایشان کودکانی

مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان ... (علی‌اکبر سام‌خانیانی و دیگران) ۱۰۵

که حس مشارکت و همکاری را تجربه کرده‌اند احساس شخصیت می‌کنند و گاهی خود را همکار و همیار بزرگسالان می‌دانند. شعر زیر این چنین فضایی را به کودک تعلیم می‌دهد. فضایی که کودک در غیاب مادر احساس مسئولیت کرده و فارغ از توانایی انجام کار یا عدم توانای دوست دارد جایگزین مادر شده و وظایف او را عهده دار شود.

مـامان مـن دیشب	دلگیر و غمگین بود
لب‌هایش از هر سو	یک خرده پایین بود
من سعی می‌کردم	او را بخندانم
با زور یک لحظه	خندید مامانم....

(ناصر کشاورز، ۱۳۹۱: ۱۷).

یک چیز تازه	فهمیده‌ام من
کاری ندارد	جوراب شستن
من شستم آن را	امروز با دست
چون مادر من	کارش زیاد است
جـورابم الان	روی طناب است
هم پاک و زیبا	هم خیس آب است
خورشید خانم	تاییده بر آن
پس می‌شود خشک	جـورابم الان

(کشاورز، ۱۳۸۳: ۲۰).

مسئولیت‌پذیری در کودکان یکی از عوامل اصلی ایجاد عزت نفس و اعتماد به نفس بالای آن‌ها در امور اجتماعی است. این کودکان بهتر از بقیه و حتی زودتر در جایگاه اجتماعی قابل توجهی قرار می‌گیرند.

کوپر اسمیت در تحقیق خود به این نتیجه رسید که کودکان برخوردار از عزت نفس بالا افرادی هستند که با احساس اعتماد به نفس و بهره‌گیری از استعداد و خلاقیت خود به ابراز وجود می‌پردازند و به راحتی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار نمی‌گیرند (بیابانگرد، ۱۳۸۴: ۱۲).

۸.۲ تجزیه و تحلیل

مفهوم تحلیل یعنی کالبدشکافی یک موضوع به بخش‌های کوچکتر و کشف و تشریح رابطه میان آن‌ها. کودک تحلیل‌گر کسی است که از مرحله دانستن عبور کرده و ساختار یک موضوع را تجزیه و تحلیل می‌کند. یکی از هنرهای بسیار مهم و مهارت‌های تأثیرگذار برای کودکان، داشتن قدرت تجزیه و تحلیل است که به کمک آن می‌تواند برای خود دنیا، اشخاص و پدیده‌ها را تجزیه و تحلیل کند. این مهارت یک تجربه‌ی ذاتی است «کودک بی آن که بداند و یا آموزش داشته باشد عناصر بصری کیفیت‌ها و ارزش‌های بصری را که برای آفرینش یک تصویر متعادل نیاز دارد به کار می‌گیرد و چیدمان‌سازی و ترکیب‌بندهای گوناگون را تجربه می‌کند» (رودا کلاگ، ۱۳۹۶: ۱۴). با این توضیح، شعر زیر می‌تواند در همین راستا تحلیل شود. کودک یاد می‌گیرد که پدیده‌های خلقت را برای خود تحلیل کند؛ لذا شاعر با ترسیم تصویری از آفرینش در قالب عوامل تهیه‌ی یک فیلم زیر بنای فکری کودک را ارتقا بخشیده و ساختار هوشمندانه شعر ضمن آن که کودک را به درکی از جهان هستی می‌رساند به او آموزش می‌دهد که در موقعیت‌های مشابه، چگونه بتواند دیده‌ها و شنیده‌های خود را این‌گونه تحلیل کند.

نقش بازی می‌کند	رود توی دره‌ها
ابر توی آسمان	موج روی صخره‌ها
با صدابرداری‌اش	از تمام سوژه‌ها
دیدنی‌تر کرده است	جلوه‌های ویژه را
خوب دقت کن ببین	لحظه‌های آن بجاست
لحظه‌های ماندگار	کارگردانش خداست

(بکتاش، ۱۳۹۳: ۱۱)

این هم‌نشینی شعر و فلسفه را باید به فال نیک گرفت. اتفاق مبارکی که بیش از همه، به نفع کودکانی است که مخاطب این نمونه‌های ادبی هستند. البته که آنچه در این شعر و امثال این بیشتر خودنمایی می‌کند، ادبیات است نه فلسفه به معنای رایج آن یا به تعبیری بهتر ادبیاتی فلسفی است.

یادگیری فلسفی کودکان بیشتر از راه ادبیات ممکن است تا فلسفه؛ زیرا ادبیات واقعیت‌های عینی و ملموس را در اختیار آنان می‌گذارد و از این رو فلسفه را در

مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان ... (علی‌اکبر سام‌خانیانی و دیگران) ۱۰۷

شرایطی معین و درک‌پذیر برای آنان عرضه می‌نماید. این برداشت اگر با مفهوم فرایندی فلسفه درآمیزد منجر به پذیرش نقش اصیل‌تری برای ادبیات در برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان می‌شود (خسرونزاد، ۱۳۸۹: ۱۱).

مبدعان برنامه‌ی فلسفه برای کودکان از حس کنجکاوی و حیرت کودکان در مورد آنچه در عالم هستی است بهره می‌گیرند تا حساسیت آنان را به زمینه‌ی زیستی‌شان بالا ببرند، تا آنجا که

کودک درمی‌یابد موجودی مستقل از محیط اطرافش نیست و حضور و حیات او وابسته به عوامل و زمینه‌های متعددی است که شاید در همه‌ی امور عینی نیستند، اما می‌تواند به خوبی آن‌ها را درک و استنباط کرده و تجزیه و تحلیل کند (ناجی، ۱۳۸۷: ۷۸).

۹.۲ حل مسئله

رویکرد حل مسئله و آموزش این مهارت در قالب‌ها و روش‌های گوناگون از گذشته تا به امروز قابل توجه متخصصان حوزه‌ی کودک و نوجوان بوده است.

مهارت حل مسئله فرایندی شناختی برای یافتن راه‌حل مناسب و رسیدن به اهداف است مسئله‌ها عموماً در موقعیتی نامعین و متناقض ایجاد می‌شوند و تعیین‌کننده‌ی فاصله‌ی موجود با وضعیت مطلوب هستند حل مسئله به نوعی یافتن جواب یا جواب‌هایی برای یک سؤال هست (برزکار، ۱۳۹۷: ۱۹۱)

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است باید برای دست و پنجه نرم کردن با مشکلات اجتماعی و شخصی توانایی‌های لازم را کسب کند مهارت حل مسئله در همین راستا مهارتی اکتسابی است که در شرایط دشوار و پیچیده راه‌گشاست. در واقع حل مسئله از آن جهت که به تفکر و عملیات فکری نیاز دارد لازم است از آغازین سال‌های کودکی به کودک آموزش داده شود؛ چرا که این مهارت زمینه‌ی مهارت‌هایی چون تفکر خلاق، تفکر نقاد، مدیریت هیجانات و ارتباط مؤثر با دیگران است.

از داستان و قصه‌ها معمولاً به عنوان ابزاری برای آموزش مهارت حل مسئله استفاده می‌شده است. اشعاری که جنبه روایی و داستانی دارد نیز تا حد زیادی می‌تواند قدرت مدیریت و توانایی حل مسئله را در کودکان تقویت کند. در نمونه‌ی شعر زیر می‌بینیم که شاعر از مشکلی که یک پرنده با آن روبه‌روست، سخن می‌گوید تا ذهن کودک درگیر

شناسایی و بررسی راه حل‌های موجود برای این مشکل پرنده باشد و این دغدغه برای او ایجاد شود که بالاخره آیا پرنده راه حل مؤثری را پیدا خواهد کرد. در نهایت به شیوه‌ای صحیح و منطقی به او می‌آموزد که در رویارویی با موانع می‌توان از قدرت ذهن و تفکر برای حل مسئله بهره جست.

پرنده رو گرفته	گرچه میون مشتش
اونو فشارش میده	با چنگال درشتش
جوجه می‌گه اگر چه	تو چنگ تو اسیرم
بیا منو ببخش تا	ناخناتو بگیرم

(بکتاش، ۱۳۹۳: ۱۰)

مهارت حل مسئله یک فرآیندشناختی رفتاری است که به کودک آموزش داده می‌شود تا راه‌حل‌های مؤثر یا سازگارانه برای مسائل روزمره زندگی خویش پیدا کند؛ چه برای مسئله‌های بیرونی و اجتماعی و چه برای مشکلات شخصی و فردی. شعر از آنجا که در فرهنگ ایرانیان از کودکی برای بچه‌ها دارای اهمیت است و علاقه‌ی زیادی به حفظ کردن آنان دارند، می‌تواند ظرفیت هنری بالایی را برای آموزش مهارت‌های فلسفی مثل حل مسئله در خود بگنجانند و ناخواسته کودک را در مواجهه با مشکلات به شیوه‌های صحیح و کارآمد هدایت کند. شعر تلمیحی زیر را با این نگاه بررسی می‌کنیم.

روزی از روزهای پاییزی در میان ترانه خوانی باد

من و اسحاق و آرزو دیدیم اتفاقی برای سیب افتاد

مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست

یا شب و روز به جز فکر توام کاری هست

جای سیبی که بر زمین افتاد در کنار درخت جا خوردیم

علتش را ولی نفمیدیم ما سه تا سخت سخت جا خوردیم

از همان روز بچه‌ها اسحاق در سرش باوری عجیب افتاد

همه‌ی کار و بار او این شد که چرا سیب از درخت افتاد

از همان اتفاق ساده به بعد مشکل بی حساب ما حل شد

اسم اسحاق در جهان پیچید درس فیزیکش آخر، اول شد

مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان ... (علی‌اکبر سام‌خانیانی و دیگران) ۱۰۹

(بکتاش، ۱۳۸۲: ۱۲).

همان‌گونه که در این شعر روایی دیدیم اگر چه قصه‌ی جاذبه‌ی زمین و آموزش آن محور اصلی شعر قرار گرفته است؛ اما نکته‌ی مهم آن است که شاعر با مطرح کردن کیفیت و شکل خاصی که این موضوع را مطرح کرده است. توانسته ماهیت فلسفی آن را برای کودکان حفظ کند و با آن‌ها بفهماند که می‌توانند با تفکر انتقادی به سمت حل مسئله خود پیش بروند چرا که گاهی جواب سؤالات دشوار ممکن است با یک اتفاق ساده حاصل شود و به خلاقیت بیشتر احساس پیروزی و تکاپویی کودکان بینجامد.

هم‌چنین با آموزش حل مسأله و به تبع آن تغییر شناخت کودکان می‌توان پذیرش اجتماعی، برقراری ارتباط مناسب با همسالان و کنترل خشم را در آن‌ها افزایش داد و بسیاری از مشکلات اجتماعی‌شان از جمله رفتار سلوک، رفتار ضداجتماعی و لجبازی را تا حدودی کم کرد (والاس و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۶).

۱۰.۲ تصمیم‌گیری

یکی از مهم‌ترین مهارت‌های تفکر فلسفی تصمیم‌گیری است. فرآیند تصمیم‌گیری برخاسته از قدرت تفکر انتقادی کودکان است که در مراحل بعد از تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی، مقایسه و پرسشگری قرار دارد. توانایی تصمیم‌گیری در کودک موجب پرورش استقلال و مقابله او با مشکلات می‌شود. به همین دلیل است که بهترین زمان برای تمرین و یادگیری این مهارت مهم، دوران کودکی است چرا که در این دوران هنوز در مرحله‌ی آزمایش و خطا تصمیم‌گیری می‌کند و به تصمیم‌های پیچیده و سرنوشت‌ساز نرسیده است. از طرفی اتخاذ هر نوع تصمیم اشتباه هزینه زیادی را برای کودک به بار نمی‌آورد. در نمونه‌هایی از شعر کودک می‌توانیم با تأمل مشاهده کنیم که این مهارت مهم به کودکان آموزش داده می‌شود. کودک با خواندن شعری مانند شعر زیر می‌تواند بیاموزد که در موقعیت‌های مختلف حق تصمیم‌گیری خواهد داشت.

نصیحت می‌کنم باز	خودم را صبح تا شب
چرا باید نباشد	حواس من مرتب
کمی فکر خودت باش	نگو آینده دیر است
بین آن رودخانه	که سرمشق کویر است

به حرفم گوش کردم نکردم من معطل
کلاس پنجم آ شدم شاگرد اول

(بکتاش، ۱۳۹۳: ۱۴).

محور شعر بالا بر شناسایی اشتباهات و اقرار به خطاهای شخصی است. افزایش میزان دقت و توجه به عملکرد شخصی خود و به نقد کشیدن آن‌ها منجر به اتخاذ تصمیم مهم و انتخاب‌های بهتر می‌شود. کودک یاد می‌گیرد که باید برنامه‌ای برای خود طراحی کند. با تمایل به اصلاح رفتار خود از الگوهای بهتری سرمشق بگیرد و برای بهبود شرایط خود تصمیم بگیرد. یاد می‌گیرد که خودش عامل تعیین کننده در سرنوشتش خواهد بود. همه این‌ها ریشه در نوع تفکر کودک و ذهنیت فلسفی او دارد.

ذهنیت فلسفی بر حسب درجه‌ای از جامعیت، تعمق و قابلیت انعطاف، زمانی مشخص می‌شود که فرد با مسائلی که برای حل آن‌ها فراخوانده می‌شود به داوری‌های ارزشی بپردازد. از این رو ذهن فلسفی فرد را آماده می‌کند تا با فکر درست و منطقی به تصمیم‌گیری در امور مختلف روی بیاورد (سیف هاشمی و همکاران ۱۳۸۳: ۵۶).

۳. نتیجه‌گیری

ادبیات و شعر یکی از یکی هنرهایی است که واسطه‌ی آموزش مهارت‌های فکری در کودکان می‌شود. شعر کودک می‌تواند علاوه بر دارا بودن ابعاد آموزشی با ظرفیتی که شاعران در سرایش شعر به کار بگیرند خواسته یا ناخواسته در پرورش قوای فکری و تفکر فلسفی کودکان تأثیر بگذارد. بررسی کامل اشعار دو شاعر برجسته‌ی شعر کودک و نوجوان یعنی ناصر کشاورز و غلامرضا بکتاش نشان داد که یاد دهی تفکر فلسفی و مهارت‌های فکری در شکل‌های مختلف مورد توجه این شاعران بوده است. و مطالعه شعرشان توسط کودکان باعث ایجاد ذهن فلسفی و توانایی فکری در آنان می‌شود. برخی از اشعارشان مهارت استدلال و ارائه‌ی دلیل‌های منطقی و یا عاطفی را در کودک تقویت می‌کند. در نمونه‌هایی از اشعارشان نیز روحیه کاوشگری، انتقاد و حس پرسشگری را در کودک ایجاد می‌کند. نمونه‌هایی از اشعار را نیز ذکر کردیم که با طرح خاصی که داشتند به کشف ذهنی و حدس عالمانه برای کودک منجر می‌شدند. قسمتی از اشعار نیز اگرچه در ظاهر و قالبی ساده بیان شده بود اما به پرورش خلاقیت کودک کمک شایانی می‌کرد. شعرهایی نیز بودند که می‌توانستند به خوبی قدرت تجزیه و تحلیل امور مختلف را به کودک یاد بدهند و او را

به عمق بعضی از امور زندگی می‌برند تا با درگیری ذهنی روش حل مسئله را بیاموزد. مهارت ایجاد ارتباط بین امور مختلف از طریق پدیده‌های ذهنی و عینی و طرح مباحثه و گفتگو بین پدیده‌ها در گسترش دنیای ذهن کودک بسیار مؤثر بود. و بالاخره این که حتی شعر کودک با شاهد مثال‌هایی که در این مقاله ذکر کردیم به فرایند تصمیم‌گیری کودک در امور مختلف کمک شایانی می‌کند. در مجموع می‌توان گفت این اشعار می‌تواند قدرت تفکر کودک را بالا برده و به تقویت روحیه‌ی فلسفی و کاوشگری کودک هم چون جامع‌نگری، انعطاف‌پذیری، کنجکاوی، دید گسترده، ژرف‌اندیشی، سعه‌ی صدر و داشتن روحیه نقادانه و ابتکاری کمک کند.

کتاب‌نامه

- برزکار، ابراهیم. (۱۳۹۷). *مقدمه‌ای بر موضوعات شناختی*، تهران: انتشارات آرتینه.
- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۸۲). *آفرین به آفتاب*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۸۸). *نوجوانی درخت کاج*، تهران: انتشارات سروش.
- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۹۱). *کلاغ میله میله*، تهران: نشر قو.
- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۹۲). *درخت اجازه داد*، تهران: نشر قو.
- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۹۳). *مورچه زحمتکش است*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۸۷). *در حیاط ما*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۸۷). *یک سیب شیرین*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۹۳). *حال غنچه خوب است*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۹۵). *رونویسی از بهار*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). *روش‌های عزت نفس در کودکان و نوجوانان*، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- حسینی، زهره. (۱۳۸۹). «فلسفه و کودکان»، *خردنامه صدر*، ویژه‌نامه دهمین سالگرد انتشار، صص ۹۳-۱۰۰.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۷). *دیگرخوانی‌های ناگزیر*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۶). «تأملی بر همنشینی ادبیات کودک و فلسفه»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، شماره ۲۰ سال ششم، صص ۲۵-۴۸.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۲). *معصومیت و تجربه، درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک*، تهران: نشر مرکز.

- سیف هاشمی، فخرالسادات و رجایی پور، سعید. (۱۳۸۳). «بررسی رابطه بین خلاقیت و ذهنیت فلسفی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۷۷ صص ۳۱-۶۴.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۶). *فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صفایی مقدم، مسعود. (۱۳۷۷). «برنامه آموزشی فلسفه به کودکان» علوم/انسانی، دانشگاه الزهراء، شماره ۲۶، صص ۲۹-۴۶.
- فیشر، رابرت. (۱۳۸۵). *آموزش تفکر به کودکان*، ترجمه‌ی مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، تهران: انتشارات رسش.
- قاسم‌زاده، حسن. (۱۳۷۵). *استعدادها و مهارت‌های خلاقیت*، تهران: انتشارات دنیای نو.
- قائدی، یحیی. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان در پرورش روحیه پژوهشگری»، *مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی*، شماره ۴۴، صص ۴۱-۴۹.
- کریمی، حسین. (۱۳۸۳). *نقد و بررسی دیدگاه‌ها و مبانی فلسفی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان*، شیراز: دانشگاه شیراز.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۷۰). *دانه‌ها، گنجشک‌ها، پروانه‌ها*، تهران: نشر کوچک خان جنگلی.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۷۱). *باغ رنگارنگ آواز قشنگ*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۷۳). *چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۷۶). *آه پونه*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۷۶). *بوی گردوهای کال*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۷۷). *میوه‌هایشان: سلام سایه‌هایشان، نسیم*، تهران: انتشارات قدیانی.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۸۳). *از این طرف لطفاً فقط هیس*، مشهد: به نشر.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۸۵). *پنبه‌ها را دوست دارم*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۹۱). *مامان چقدر خوب است*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کلاگ، رودا. (۱۳۹۶). *تجزیه و تحلیل هنر کودکان*، ترجمه زینب رجیبی دوانی، تهران: اسم.
- گرت. بی. متیوز. (۱۳۹۷). *فلسفه کودکی*، ترجمه سعید حسام پور، شیراز: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- لیپمن، متیو. (۱۳۸۳). «گفتگو با متیو لیپمن درباره فلسفه برای کودکان و نوجوانان»، *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان ... (علی‌اکبر سام‌خانیانی و دیگران) ۱۱۳

مرعشی، سیدمنصور. صفایی مقدم، مسعود و خزامی پروین. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز» دو فصلنامه تفکر و کودک، دوره ۱، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۲.

ناجی، سعید. (۱۳۸۷). *کنادوکا و فلسفی برای کودکان*، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی. والاس، بله و همکاران. (۱۳۹۳). *مهارت‌های تفکر و حل مسأله*، ترجمه حسین جعفری ثانی و دیگران، مشهد: به نشر.

ویگوتسکی، لی یف. سیمونویچ. (۱۳۸۱). *تفکر و زبان*، ترجمه بهروز عزید فتری، تهران: نشر فروزش.

Haynes, A. (2002). *children as philosophers*. Rutledge Hammer. London and New York.